

بررسی متغیرهای دخیل در سیر تطور حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار

حسن سلم آبادی*
محمدحسین دانش کیا**
امیرمحسن عرفان***

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه و بررسی روند تاریخی و تحلیل سیر تطورات حوزه علمیه تهران در دوره قاجار است و از این رهگذر به تحلیل و بررسی عوامل و بسترهای شکل گیری تطورات تاریخی حوزه علمیه تهران می پردازد. مطالعه سیر تطور تاریخی این نهاد آموزشی و بازشناسی تحلیلی آن، نیازی است در جهت تقویت هویت یابی تاریخی و ازسویی آسیب شناسی احتمالی آن. یافته های پژوهش نشان می دهد که این نهاد آموزشی در تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان شدنی شکل گرفته است. نتیجه پژوهش نشان می دهد، عوامل متعددی همچون؛ مهاجرت علمای بزرگ به تهران، ساخت متعدد مدارس علمیه و انقلاب مشروطه و حوادث بعد از آن، در سیر تطور تاریخی آن دخیل بوده اند. روش تحقیق این مقاله، گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی

حوزه علمیه تهران، نهاد آموزش تشیع، عوامل تطور تاریخی، قاجار.

*. دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه بجنورد. (نویسنده مسئول)
mr.salmabadi@yahoo.com
** دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
daneshkia@maaref.ac.ir
*** استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
erfan@maaref.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۵

طرح مسئله

علی‌رغم پژوهش‌هایی که در مورد حیات فرهنگی و علمی شیعیان صورت پذیرفته، ابعاد گوناگون و تأثیرگذار حوزه‌های علمیه امامیه هنوز آشکار نشده و دورنمایی از آن در برابر محققان و استادان فرهنگ و تمدن اسلامی ترسیم نگردیده است. بنابراین ضرورت دارد ابعاد گوناگون نهاد آموزشی حوزه‌های علمیه امامیه در قرون و دوره‌های مختلف تبیین و تشریح گردد. در این میان حوزه علمیه تهران در دو سده اخیر یکی از مهم‌ترین نهادهای آموزشی استوار، پویا و تأثیرگذار شیعه در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشد که تاریخی پرفرازونشیب دارد. این نهاد آموزشی، در ادوار متفاوتی که پشت سر گذاشته و فرازوفرودهایی که به خود دیده، ضمن حفظ رسالت‌های ذاتی و اصیل خود، در زمینه «تفقه در دین» و «انتقال آموزه‌های آن به مردم و جامعه» از منظر سیر حیات تاریخی، تطورات و تغییرات بنیادینی را نیز تجربه کرده است که اوج این تحولات را می‌توان در دو سده اخیر مشاهده کرد که حایز اهمیت، مطالعه و تفکر است.

از این رو این پژوهش با هدف مطالعه و بررسی روند تاریخی و تحلیل سیر تطورات حوزه علمیه تهران به معنی فرازوفرود آن به لحاظ کمی و کیفی و شناسایی عوامل دخیل در تطور تاریخی آن در دوره قاجار (۱۲۰۰ تا ۱۳۴۴ ق) است. شایان توجه است که در این پژوهش، حوزه علمیه تهران به عنوان یک کل و واحد یکپارچه و گسترده که دارای ارکان و بخش‌های متعدد، با کارکردهای مختلف آن مدنظر است و تمامی ارکان و اجزای آموزشی و پژوهشی برای تعلیم و ترویج علوم دینی در تهران راه، حوزه علمیه تهران می‌انگاریم. بنابراین، تمامی مدارس و مراکز آموزشی و پژوهشی حوزوی که در تهران قرار دارند فارغ از اینکه کانون و محل تعلیم و تعلم، چگونه (از نظر امکانات آموزشی) باشد یا کجا (مسجد، مدرسه، حسینیه، حرم امامزاده و یا منزل علما و طلاب) باشد، مشمول حوزه علمیه تهران خواهند بود. روش تحقیق این مقاله، گردآوری اطلاعات از منابعی چون تواریخ عمومی و محلی، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، تاریخ معاصر و تاریخ اجتماعی تهران؛ به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

درباره مسئله این مقاله، پیش از این پژوهشی که به آن پرداخته باشد یافت نگردید. در عین حال آثاری که می‌تواند نزدیک به موضوع این پژوهش باشد، به دو گروه تقسیم می‌شود:

۱. آثار با رویکرد توصیفی تاریخی

مقاله «حوزه علمیه تهران»^۱ به لحاظ عنوان شاید نزدیکترین اثر به پژوهش حاضر باشد که با روشی

۱. رضوی و همکاران، *حوزه علمیه؛ تاریخ، ساختار، کارکرد*، ص ۶۹.

توصیفی به حوزه علمیه تهران پرداخته است که اطلاعات خوبی را از مدارس علمیه و علمای آن به دست می‌دهد. همچنین مقاله «مسجد مدرسه‌های تهران»^۱ که مؤلف با معرفی برخی از مسجد مدرسه‌های تهران، تنها به ویژگی‌های ساختمانی و ارائه پلان‌های معماری این اماکن پرداخته است و یا کتاب و مقاله‌های «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»^۲، «تاریخ مدرسه عالی سپهسالار»^۳ و «مهم‌ترین مدارس موقوفه تهران»^۴ نیز به ارائه پیشینه تاریخی تأسیس، موقعیت جغرافیایی و برخی از ویژگی‌های معماری این اماکن و قوانین و آیین‌نامه‌های استفاده از آنها و موقوفات آنها را در بر می‌گیرد. همچنین کتاب **فیضیه تهران**^۵ که به بیان شرح حال بیش از ۱۵۰ تن از مفاخر مدرسه علمیه مروی و سپهسالار قدیم پرداخته است و کتاب **گروهی از علمای حوزه علمیه تهران**^۶ که به فهرستی از علمای تهران اشاره دارد. مقاله حاضر ممکن است به عنوان مصداق‌یابی تاریخی، به برخی از گزارش‌های تاریخی این پژوهش‌ها استناد نماید. لیکن این پژوهش‌ها، علاوه بر فقدان توجه به سیر تطور تاریخی حوزه علمیه تهران در دوره قاجار (۱۲۰۰ تا ۱۳۴۴ ق)، فاقد تحلیل تاریخی درباره تحولات آن بوده و اشاره‌ای به متغیرها و عوامل دخیل در فراز و فرود این نهاد آموزشی ندارند.

۲. آثار با رویکرد کارکرد شناسی فرهنگی - اجتماعی

کتاب **حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر**^۷ که ابعاد مختلف تاریخی، فرهنگی، دینی و سیاسی مربوط به حوزه علمیه مروی و موقوفات آن را شامل می‌شود و مقاله‌های «بررسی نقش آفرینی مسجد - مدرسه‌ها در اصلاح گفتمان دینی در تهران دوره قاجار»^۸؛ «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار»^۹؛ «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن

۱. سلطان‌زاده، «مسجد مدرسه‌های تهران»، *مجله وقف میراث جاویدان*، ش ۲۸، ص ۵۳.

۲. کسای، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، ش ۳۰، بی‌تا.

۳. سحاب، *تاریخ مدرسه عالی سپهسالار*.

۴. سیدزاده مطلق، «مهم‌ترین مدارس موقوفه تهران»، *پیام بهارستان*، ش ۱۳.

۵. سبحانی صدر، *فیضیه تهران*.

۶. استادی، *گروهی از علمای حوزه علمیه تهران*.

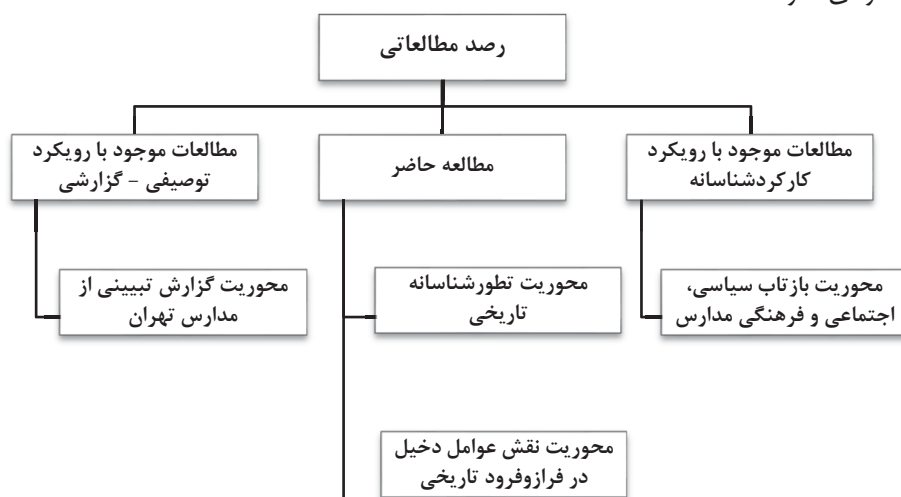
۷. آژده، *حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر*.

۸. صفری فروشانی و قرائتی، «بررسی نقش آفرینی مسجد - مدرسه‌ها در اصلاح گفتمان دینی در تهران دوره قاجار»،

فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ش ۲، ص ۳۵.

۹. قرائتی، «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار»، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ش ۴۱،

مذهبی عصر قاجار»^۱ «ارتقای حیات مدنی براساس وقفنامه مسجد - مدرسه سپهسالار در گستره میدان بهارستان»^۲ این پژوهش ها نیز از جهت اختصاص نداشتن به حوزه علمیه تهران و نیز در بر نداشتن سیر تطور تاریخی حوزه تهران از پژوهش حاضر متمایز هستند. به طور کلی هیچ یک از این پژوهش ها به سیر تطور تاریخی، تحولات و عوامل فرازوفرود حوزه علمیه تهران اشاره ای ندارند.



سیر تاریخی حوزه علمیه تهران در دوره قاجار (۱۲۰۰ تا ۱۳۴۴ ق)

بررسی تاریخ حیات حوزه علمیه تهران در دوره قاجار نشان می دهد که این نهاد آموزشی در تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان شدنی شکل گرفته است. این روند تاریخی براساس شکل گیری و فرازوفرود آن به لحاظ کمی و کیفی به سه دوره (مرحله) تقسیم می شود که به بررسی و تحلیل آنها می پردازیم.

مرحله اول: تأسیس و تثبیت (حدود ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۵ ق)

پس از استقرار سلطنت حاکمان قاجار در تهران و انتخاب این شهر به عنوان پایتخت ایران و اهمیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن و مرکزیت یافتن آن، زمینه های شکل گیری نهاد آموزشی قوی در پایتخت را فراهم آورد و بستر شکل گیری حوزه علمیه جدید تهران را فراهم کرد.

۱. الویری و قرائتی، «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*؛ *پژوهشنامه انجمن ایرانی*، ش ۱۷، ص ۲۰ - ۱.
 ۲. روحانی قوچانی و همکاران، «ارتقای حیات مدنی براساس وقفنامه مسجد - مدرسه سپهسالار در گستره میدان بهارستان»، *نقش جهان*، ش ۲.

بسترها و زمینه‌های تأسیس و تثبیت حوزه تهران

در شناخت و تحلیل بسترها و زمینه‌های تأسیس و تثبیت حوزه تهران، می‌توان به نکته‌های زیر اشاره کرد:

۱. مرکزیت تهران و وجود زمینه برای توسعه فضای آموزشی حوزه علمیه

بعد از برگزیده شدن تهران به پایتختی توسط آقا محمدخان قاجار و تأسیس حوزه علمیه تهران و آغاز توسعه شهر تهران، از دوره فتحعلی‌شاه (حک. ۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) به این‌سو و به اقتضای توسعه و گسترش شهر، مدارس علمیه و نیز مسجد - مدرسه‌های متعددی در این شهر ساخته شد.^۱ در ادامه به تعدادی از مدارسی که در تأسیس و تثبیت این نهاد آموزشی نقش داشته و در این دوره ساخته شده‌اند اشاره می‌شود.

یک. **مدرسه علمیه مروی:** جزو نامدارترین مدارس علوم دینی تهران در قرن سیزده و چهارده هجری قمری است. تاریخ بنا در کتیبه، سال ۱۲۳۱ ق را نشان می‌دهد. این مدرسه را «خان مروی» در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه بنا کرد، او که از رجال ثروتمند بود مدرسه، مسجد، باغ و بازارچه مروی را در تهران ساخت و تمام املاک و دارایی خود را برای این مسجد و مدرسه وقف نمود.^۲ میرزا مسیح مجتهد تهرانی (۱۲۶۳ - ۱۱۹۳ ق) از متولیان و مدرسین این مدرسه بوده است او در تهران علاوه بر آنکه در مقام مرجع تقلید و مجتهدی پرآوازه به امور شرعی و اجتماعی مردم مشغول بود از پرورش شاگردان غافل نبود و حوزه درشش پروتق بوده است.^۳

دو. **مدرسه دارالشفاء:** مدرسه دارالشفاء که در آغاز حکومت فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ق) در تهران بنا شده است.^۴ شیخ رمضان آل‌موتی در سال ۱۲۳۶ از اساتید این مدرسه بود.^۵ همچنین میرزا طاهر منشی اصفهانی (۱۲۷۰ - ۱۲۲۴ ق) ملقب به دیباچه‌نگار از طلاب این مدرسه بود.^۶

سه. **مدرسه صدر:** این مدرسه علمیه را میرزا شفیع، صدراعظم فتحعلی‌شاه در بین سال‌های ۱۲۱۵ تا ۱۲۳۴، بنا کرد.^۷

۱. رک: مؤمنی، «تهران، شهر: بخش ۱»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، ص ۵۰۳۸.

۲. رک: بامداد، *شرح حال رجال ایران*، ج ۳، ص ۳۹۵ - ۳۹۷؛ آژده، «مدرسه مروی، اساتید و متولیان آن»، *ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۴۸، ص ۶۱.

۳. رک: جابلقی بروجردی، *طرائف المقال فی معرفه طبقات الرجال*، جزو اول، ص ۴۳.

۴. سلطان‌زاده، *تاریخ مدارس ایران*، ص ۳۰۹؛ نوربخش، *تهران به روایت تاریخ*، ص ۳۳۳.

۵. بامداد، *شرح حال رجال ایران*، ج ۱، ص ۴۰ - ۴۱.

۶. آقابزرگ طهرانی، *الدریعه*، ج ۱۸، ص ۲۳۸.

۷. بامداد، *شرح حال رجال ایران*، ج ۶، ص ۱۷۰.

چهار. **مدرسه مادر شاه:** بانی این مدرسه «قاسم خان ظهیرالدوله» داماد فتحعلی شاه است. در دوره ناصرالدین شاه، توسط مهدعلیا (م. ۱۲۹۰) مادر پادشاه، مرمت و بازسازی شد و به همین دلیل نام مدرسه مادر شاه معروف شد.^۱

پنج. **مدرسه «میرزا احمد حکیم‌باشی»** در محله عودلاجان، مدرسه «رضا قلی‌خان» در محله سنگلج و مدرسه «میرزا صالح تهرانی» در محله پامنار، از بناهای این دوره هستند.^۲

بدین ترتیب با ساخت مدارس جدید و روی آوردن علما و طلاب علوم دینی به شهر تهران که در مجاورت شهر مذهبی ری قرار دارد حوزه علمیه بزرگی در پایتخت جدید ایران شکل گرفت^۳ و به سرعت رو به اتقان و تثبیت پیش رفت.

۲. هجرت عالمان شاخص به تهران و برپایی مجالس درس

با دعوت و درخواست فتحعلی شاه حکما و فقهای بسیاری از سراسر کشور به این شهر روی آوردند.^۴ در تداوم سیاست توسعه تهران و تعمیق نهاد آموزشی آن در دوره محمد شاه (حک. ۱۲۶۵ - ۱۲۵۰ ق) نیز از علما و فضایی حوزه های دیگر برای حضور در تهران دعوت شد. همچنین برای رونق حوزه تهران، طلاب سایر بلاد برای مهاجرت به این شهر تشویق شدند.^۵ در ادامه به بعضی از علمای بزرگی که در تأسیس و تثبیت حوزه علمیه تهران و در هویت‌یابی آن نقش‌آفرین بودند، اشاره کوتاهی می‌کنیم.

محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی (م. ۱۲۶۳ ق)، مشهور به شریعتمدار که یکی از علمای بزرگ بود با دعوت فتحعلی‌شاه از شهر قزوین به تهران آمد و با اسکان در مدرسه حکیم هاشم، مشغول به تدریس شد.^۶ علمای بزرگی چون میرزا محمد اندرمانی، نصرالله استرآبادی، میرزا احمد تنکابنی، جعفر بن محمد طاهر نوری؛ از شاگردان معروف وی می‌باشند.^۷ در این دوره از ملاعلی نوری برای تدریس فلسفه و معقولات به حوزه تهران دعوت شد اما او یکی از بهترین شاگردانش به نام ملاعبدالله زنوزی (م. ۱۲۵۷ ق) را به تهران فرستاد. ملاعبدالله زنوزی از سال ۱۲۳۷ ق به مدت ۲۰ سال در مدرسه مروی، حکمت و فلسفه

۱. نوریخس، *تهران به روایت تاریخ*، ص ۳۳۷.

۲. همان، ص ۳۳۱ - ۳۲۹.

۳. رک: رضوی و همکاران، *حوزه علمیه؛ تاریخ، ساختار، کارکرد*، ص ۲۰۷.

۴. رک: حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار*، ج ۱، ص ۸۶ - ۸۵؛ رشاد، مقدمه کتاب: «*گروهی از علمای حوزه علمیه تهران*»، رضا استادی»، ص ۲۴.

۵. آشتیانی، *مقدمه انوار جلیله ملاعبدالله زنوزی*، ص ۳۹.

۶. حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار*، ج ۱، ص ۸۶ - ۸۵.

۷. همان، ص ۹۱؛ آقابزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعة، الکرام البررة*، قسم ۱، ص ۲۵۴ - ۲۵۳.

بررسی متغیرهای دخیل در سیر تطور حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار □ ۴۱

تدریس می کرد.^۱ شاید بتوان ملاعبدالله زنوزی، مشهور به حکیم مؤسس،^۲ را بنیانگذار مکتب فلسفی تهران دانست. یکی از علمای بسیار مؤثر در حوزه تهران، میرزا ابوالحسن جلوه (۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ ق)، است. او در مدرسه دارالشفاء تهران، مدرس حکمت، فلسفه، عرفان و ریاضیات بود.^۳ آقاعلی مدرس طهرانی (۱۳۰۷ - ۱۲۳۴ ق) فرزند ملاعبدالله زنوزی، دیگر حکیم نامدار و مروج فلسفه صدرایی و یکی از حکمای اربعه^۴ که باعث تثبیت و رونق حوزه فلسفی تهران شدند.^۵ سید رضی لاریجانی (م. ۱۲۷۰ ق)، از بزرگترین عرفای این دوره و استاد آقا محمدرضا قمشه ای است که شاگردانش او را «مالک عالم باطن» می نامیدند که توسط میرزا اسماعیل مستوفی گرکانی، از صاحب‌منصبان قاجار، به تهران دعوت شد.^۶ آقا میرزااحسین سبزواری یکی دیگر از حکمای نامدار و ریاضی دان حوزه تهران در این دوره است که از شاگردان حاج ملاحادی سبزواری (۱۲۸۹ - ۱۲۱۲ ق) بود و از سبزواری راهی تهران شد و در مدرسه عبدالله‌خان در بازار بزازها، شاگردان بسیاری داشت.^۷

مرحله دوم: پویایی و شکوفایی (از ۱۲۶۵ تا ۱۳۱۴ ق)

حوزه علمیه تهران در این مرحله از حیات خود، در سایه حمایت‌ها و پشتیبانی حاکمان و صاحب‌منصبان قاجار، با شکل‌گیری نهضت ساخت و توسعه مدارس علمیه؛ تعامل و برقراری ارتباط با حوزه‌های کهن جهان اسلام همچون اصفهان و نجف، و انتقال میراث علمی سایر حوزه‌های علمیه به حوزه تهران، همراه بود که این نهضت علمی در این دوره شکل گرفت. در واقع این مرحله اوج پویایی و شکوفایی حوزه علمیه تهران است که رشد کمی و کیفی از حیث نیروی انسانی، فضای آموزشی و تولیدات علمی، در آن اتفاق افتاد. این مرحله در دوره ناصرالدین شاه (۱۳۱۴ - ۱۲۶۵ ق) اتفاق افتاد.

بسترها و زمینه‌های پویایی حوزه تهران در دوره ناصر

در تبیین و تحلیل بسترها و زمینه‌های پویایی حوزه تهران می‌توان به نکته‌های زیر اشاره کرد:

۱. آشتیانی، مقدمه *انوار جلیله ملاعبدالله زنوزی*، ص ۳۹؛ مدرس تبریزی، *ریحانة الادب*، ج ۲، ص ۳۹۱ - ۳۹۰.

۲. ر.ک: همان، ص ۳۹۰.

۳. گلی‌زواره، *میرزا ابوالحسن جلوه: حکیم فروتن*، ص ۷۴.

۴. حکمای اربعه تهران، عنوانی برای ۴ تن از حکمای برجسته مکتب فلسفی تهران: آقاعلی مدرس طهرانی، آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و آقامیرزا حسین سبزواری اطلاق می‌شود که شاگردان بسیاری را در حوزه تهران تربیت کردند. (ر.ک: نصر، «تهران، حوزه فلسفی و عرفانی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، ص ۵۰۴۲)

۵. آقابزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۱۴۷۳.

۶. هدایت، *تذکره ریاض العارفین*، ج ۴، ص ۴۶۲؛ طارمی، *شهر هزار حکیم*، ص ۶۲.

۷. صدوقی سپها، *تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمتألهین*، ص ۱۲۱.

۱. نقش آفرینی سیاسی و اجتماعی روحانیت در این بازه زمانی

روحانیت از دیرباز بر روح و قلب مردم حکومت داشت. طلاب و روحانیون از مسئله‌گو و ملای دهکده گرفته تا مجتهدین با یک رشته بسیار محکم و استوار نامرئی به هم پیوسته و دارای نفوذ و قدرت معنوی در بین مردم بودند.^۱ قدرت سیاسی (ریاست عامه) و معنوی علمای شیعه، از آنجایی نشئت می‌گرفت که آنها رابط میان ائمه و عامه مردم و جانشین ائمه شناخته می‌شدند.^۲ این اندیشه و باور، در زمان صفویه شکل گرفت و در دوره قاجار تقویت شد.^۳ از عوامل دیگری که باعث شد جایگاه روحانیت و علمای شیعه در دوره قاجار تقویت شود این بود که پیش از عصر قاجار، مسلکی در میان شیعه بوجود آمده بود با نام «اخباری‌گری» که معتقد به مراجعه مستقیم به اخبار و احادیث بودند و در عین حال با اجتهاد مخالف بودند. در اوایل دوره قاجار مکتب «اصولی‌ها» که طرفدار اجتهاد بودند بر اخباری‌ها پیروز شده و مکتب غالب شدند.^۴ و حوزه تهران در علم فقه و اصول فقه، به شکل عمده متأثر از مکتب فقهی و اصولی حوزه بزرگ نجف بود و دانش‌آموختگان از مکتب اصولی شیخ انصاری، میرزای شیرازی، آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی تبعیت می‌کردند. این مسئله نیز بر تقویت جایگاه سیاسی و اجتماعی علمای تهران می‌افزود. برای نمونه نقش آفرینی علمای بزرگ تهران در حوادث سیاسی - اجتماعی مانند پیش‌قدم بودن محمدجعفر استرآبادی در دفاع از دین و جهاد علیه مخالفان در سال ۱۲۴۱ق به همراه سید محمد طباطبایی معروف به سید مجاهد برای جهاد با قوای متجاوز روس^۵ و یا نقش ملاعلی کنی (۱۳۰۶ - ۱۲۲۰ ق) در مخالفت با قرار داد رویترز^۶ و نیز پیروزی نهضت تنباکو که در تهران توسط علما و مراجع بزرگ تهران همچون میرزا حسن آشتیانی، مدیریت و رهبری می‌شد؛^۷ نشان‌دهنده قدرت سیاسی و اجتماعی روحانیت در میان مردم و بازاریان بود.^۸

طبق گزارش‌های تاریخی، روحانیت به سبب دانش والا، دینداری و فضیلتشان، راهنمایی مردم را بر

۱. شمیم، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، ص ۳۶۶.

۲. رک: الگار، *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه*، ص ۲۵.

۳. کلاهی، «تغییر در قدرت تشکیلاتی و قدرت معنوی روحانیت در گذار از قاجار به پهلوی»، *مجله مطالعات اجتماعی*

ایران، دوره هفتم، ش ۱، ص ۱۱۸.

۴. کدی، *ایران در دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ص ۳۸.

۵. حبیب‌آبادی، *مکرم الآثار*، ج ۱، ص ۸۶ - ۸۵؛ خوانساری، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۷، ص ۱۴۶.

۶. ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ص ۱۳۵.

۷. رک: امین‌الدوله، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، ص ۱۵۵؛ نجفی و همکاران، *سده تحریم تنباکو*، ص ۶۴ - ۱۵؛ طلوعی،

«زمینه انقلاب»، *داستان انقلاب*، ص ۳۱ - ۲۵.

۸. دارابی، *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، ص ۶۲.

عهده داشتند و از مردم در برابر حکمرانان حمایت می‌کردند.^۱ آنان، در بین توده‌های جامعه به‌ویژه محرومین و مستضعفین طرفداران بسیار داشتند که می‌توانستند با بسیج مردم علیه ظلم حاکمان قیام کنند، از این‌رو حاکمان و صاحب‌منصبان دولتی از علما و روحانیت حساب می‌بردند.^۲

با توجه به رسوخ کامل عقاید مذهبی در ذهن اکثریت مردم، باید جامعه ایران عصر قاجاریه را یک جامعه مذهبی دانست. سبک زندگی مردم ایران بر پایه اصول اعتقادات دینی بنیان نهاده شده بود و دادوستد و معاملات و عقود و ایقاعات و به‌طور کلی مناسبات و روابط بین افراد تابع احکام دینی بود. حل‌وفصل دعاوی حقوقی و رسیدگی به بسیاری از مسائل اجتماعی، توسط روحانیت انجام می‌گرفت، در مقابل روحانیت و محاکم شرعی، قانون و دادگاه و محاکم عرفی وجود نداشت؛ بنابراین، در چنین جامعه‌ای خواه‌ناخواه، قدرت حاکم حقیقی و کنشگری بلا منازع، در دست روحانیت قرار گرفته بود که می‌توانست مشکلات مردم را حل نموده، مرجع و پناهگاهی برای اغلب مردم باشد؛ این نفوذ معنوی در جامعه ایران از دلایل اصلی تقویت روحانیت و توجه روزافزون به حوزه‌های علمیه بود. به همین دلیل علاوه بر مردم عادی کوچه و بازار، وزرا و رجال کشوری نیز برای در امان ماندن از گزند رژیم حکومت که خود نیز از عوامل آن بودند سرسپردگی به یک مجتهد منتفذ را انتخاب می‌نمودند.^۳ از این‌رو توجه صاحب‌منصبان درباری به ساخت و توسعه مدارس علمیه به‌وضوح پیداست. ریشه‌های این نفوذ فکری و فرهنگی را باید در عواملی جستجو کرد.

اول؛ در جامعه عصر قاجار وجود مکتب تربیت عمومی و اجتماعی حایز اهمیت است و آن عبارت بود از مسجد و منبر که اصلی‌ترین مرکز اجتماع و مهم‌ترین کانون ارشاد اخلاقی و مذهبی مردم بود. وجود این مکتب بزرگ، در باورها و سبک زندگی اکثریت مردم ایران نقش داشت، چرا که والدین علاوه بر اینکه خود مقید به انجام دستورات دینی بودند و برای اقامه نماز و شنیدن مواعظ روحانیون و علمای دین به مساجد می‌رفتند فرزندان خود را نیز، با خود همراه می‌کردند.^۴ دوم؛ نظام تعلیم و تربیت اختصاصی، یعنی آموزش خواندن و نوشتن زبان فارسی، آموزش قرآن و شرعیات، که در مکتب‌خانه‌ها و توسط ملاها و روحانیون انجام می‌شد و بدین‌صورت تعلیم و تربیت فرهنگ جامعه ایران تقریباً به‌طور کامل در اختیار طبقه منتفذ روحانی بود.^۵

۱. ادوارد پولاک به نقل از: جعفریان، *بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت ایران*، ص ۳۱.

۲. سرجان ملک‌به نقل از: جعفریان، *بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت ایران*، ص ۳۱.

۳. ر.ک: شمیم، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، ص ۳۶۸.

۴. همان.

۵. همان، ص ۳۷۱؛ الگار، *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه*، ص ۳۱۲.

در کنار «قدرت معنوی»، «قدرت سیاسی» و «پایگاه اجتماعی» روحانیت؛ حوزه علمیه، با یک ساختار اقتصادی دیگر به نام «اوقاف» پشتیبانی می‌شد.^۱ موقوفات عمده‌ترین منبع درآمد حوزه و روحانیت محسوب می‌شد، این منابع اقتصادی استقلال مالی آن را تامین می‌کرد.^۲ در چنین شرایطی، وجود مجموعه این عوامل و بسترها را می‌توان موجب پویایی و شکوفایی حوزه علمیه تهران دانست.

نمودار نقش و جایگاه عالمان در شکوفایی حوزه علمیه تهران



۲. مرجعیت‌یابی علمی حوزه علمیه تهران در عصر ناصری (۱۲۶۵ تا ۱۳۱۴ ق)

دوره ناصرالدین شاه قاجار، اوج پویایی و مرجعیت علمی حوزه تهران می‌باشد. انواع رشته‌های علمی در این دوره تاریخی رواج دارد؛ تقارن فقه، فلسفه، عرفان و ادبیات فارسی از شاخص‌های شگفت‌انگیز حوزه علمیه تهران در این دوره است. حوزه تهران در این مرحله از چنان پشتوانه عظیمی برخوردار است که شاید بتوان جزو سه حوزه برتر ایران در کنار حوزه‌های علمیه اصفهان و مشهد دانست. حضور علمای بزرگی همچون؛ محمدحسن بن جعفر شریعتمدار استرآبادی (۱۳۱۸ - ۱۲۴۹ ق)، شیخ علی استرآبادی (۱۳۱۶ - ۱۲۴۲ ق)، شیخ عبدالنبی استرآبادی (م. ۱۳۴۰ ق)، میرزا محمدحسن آشتیانی (۱۳۱۹ - ۱۲۴۸ ق)، شیخ مرتضی آشتیانی (۱۳۶۵ - ۱۲۱۸ ق)، مصطفی آشتیانی؛ ملقب به «افتخارالعلماء» (م. ۱۳۲۷ ق)، میرزا هاشم آشتیانی (۱۳۴۰ - ۱۳۲۸ ق)، میرزا احمد آشتیانی (۱۳۹۵ - ۱۳۰۰ ق)، ملاعلی کنی (۱۳۰۶ - ۱۲۲۰ ق)، حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی (۱۲۳۶ - ۱۲۹۲ ق) معروف به کلانتر تهرانی، حاج میرزا ابوالفضل تهرانی (۱۳۱۷ - ۱۲۷۳ ق)، شیخ فضل‌الله نوری (۱۳۲۷ - ۱۲۵۹ ق) و آیت‌الله شیخ عبدالنبی نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۴۳ ق) در این دوره به حوزه علمیه تهران، هویتی تاریخی بخشیده است. آقا محمدرضا قمشه‌ای (۱۲۴۱ - ۱۳۰۶ ق) حکیم و عارف معاصر اَعالی مدرس است که متولد اصفهان بود، ولی بعد از ۱۲۸۸ ق، اصفهان را ترک کرد و تا پایان عمر ساکن تهران شد.^۳ او در تدریس عرفان چنان تبحر داشت که برخی او را ابن عربی

۱. همان، ص ۲۱.

۲. ر.ک: فغوری، «تأثیر فرایند نوسازی کشور بر روحانیان»، *ماهنامه آفتاب*، ش ۱۶، ص ۴۵؛ تختشید، «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۴۰، ص ۱۰۶-۱۰۵.

۳. صدرالدین شیرازی، *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية*، ص ۱۲۷؛ صدوقی‌سها، *تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمناهلین* ص ۴۹.

دوران جدید نامیده‌اند.^۱ به دعوت و درخواست حاکمان قاجار، حکما و فقهای بسیاری از سراسر کشور به این شهر روی آوردند تا آنجا که تهران به شهر «هزار حکیم» نامبردار شد.^۲ در این دوره تاریخی حوزه علمیه تهران از چنان اهمیت و اعتباری برخوردار بود که طلاب علوم دینی از اغلب شهرهای ایران برای تحصیل به حوزه علمیه تهران هجرت می‌کردند.^۳

در یک گزارش آماری سال ۱۲۸۶ق یعنی در دوران زعامت حاج ملاعلی کنی بر حوزه تهران، فقط تعداد «طلابی که در مدارس مسکن دارند هزار و چهارصد و شصت و سه نفر» ذکر شده است، درحالی که جمعیت تهران در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۱۴ - ۱۲۶۵ ق) در حدود ۱۰۰ هزار نفر بوده است.^۴ یعنی بیش از یک درصد از جمعیت تهران در کسوت روحانیت و طلبگی بوده‌اند. دولت‌آبادی در بیان خاطرات خود از سال ۱۳۱۵ق در زمان زعامت میرزا حسن آشتیانی بر حوزه علمیه تهران یعنی پس از نهضت تنباکو و پیش از نهضت مشروطه، تعداد طلاب تهران را بیش از هزار نفر بیان می‌کند.^۵ مطالعات تاریخی نشان می‌دهد تعداد طالبان علوم دینی در تهران به مرور رو به فزونی و کثرت بوده است چنانچه در دوره مظفرالدین شاه (حک. ۱۳۲۴ - ۱۳۱۴ ق) انجمن طلاب مشروطه‌خواه که یک تشکل سیاسی حوزوی بود بالغ بر هزار طلبه عضو داشت.^۶

۳. مهیاسازی بستر کیفی از حیث فضای آموزشی

تدریس علوم دینی، غیر از آنچه که در منازل بعضی از علما صورت می‌گرفت، بیشتر در مدارس علمیه بود که با همین هدف ساخته شده بودند اما کمیت و کیفیت این مدارس با مدارس پیش از دوره ناصری و بعد از آن، قابل قیاس نیست. تأسیس مراکز و مدارس علمی متعدد در این دوره، به‌گونه‌ای است که این شهر را به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی ایران و دنیای اسلام تبدیل می‌کند. این مراکز و مدارس علمی عهده‌دار تربیت علاقمندان به علوم اسلامی و علوم جدید بوده‌اند.^۷ بنابر گزارش‌های تاریخی، در دوره حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۵ تا ۱۳۱۴ ق)؛ ۴۷ مسجد که اغلب آنها دارای مدرسه علمیه بوده‌اند و ۳۵ باب مدرسه علمیه ساخته شد که ۱۴۶۳ طلبه در آنها بوده است.^۸

۱. نصر، «تهران، حوزه فلسفی و عرفانی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، ص ۵۰۴۲.

۲. رشاد، *مقدمه کتاب: «گروهی از علمای حوزه علمیه تهران - رضا استادی»*، ص ۲۴.

۳. ر.ک: سمّامی حائری، *بزرگان تنکابن*، ص ۲۵.

۴. سعدوندیان و اتحادیه، *آمار دارالخلافت تهران*، ص ۳۴۹.

۵. دولت‌آبادی، *حیات یحیی*، ج ۱، ص ۲۳۷.

۶. رفیعی، *انجمن: ارگان انجمن ایالتی آذربایجان*، ص ۲۸.

۷. شیخ، *مکتب حکمی تهران و عرفان اسلامی*، ص ۲۲.

۸. نجم‌الدوله، *تشخیص نفوس دارالخلافت*، ج ۲۰، ص ۳۶۳.

تهیه فهرست کاملی از این مدارس، کاری دشوار است اما به تعدادی از مهم‌ترین آنها در ذیل اشاره می‌شود.

یک. **مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری)**، یکی از مهم‌ترین مدارس علمیه در این دوره تاریخی است. بنای این مدرسه، در سال ۱۲۹۶ ق بوسیله میرزا حسین خان سپهسالار شروع شد و در سال ۱۳۰۳ ق (۱۲۶۱ ش) به پایان رسید. آقاعلی مدرس طهرانی (۱۲۳۴ - ۱۳۰۷ ق) فرزند ملاعبدالله زنوزی، مشهور به حکیم مؤسس، مدتی مدرس فلسفه و حکمت در این مدرسه بوده است.^۱ این مدرسه دارای وقفنامه ای مفصل است که براساس آن، مسجد، مدرسه و کتابخانه پیش‌بینی شده است. تعداد و نقش متولی، ناظر مطیع، مدرسان و موضوع درس آنان شامل معقول، منقول، ریاضیات، مقدمات و ادبیات، همچنین حکیم‌باشی، مستوفی، ضابط موقوفات، کتابدار، خوشنویس، واعظ، قاری، مکبر، مؤذن، چراغچی و دربان و خادم همه به دقت تعیین شده است. لوازم تحصیل طلبه را از جمیع جهات، از مخارج و کتب و لوازم را واقف فراهم آورده است و تولیت اوقاف و امور این مدرسه را به سلطان عصر و با نظارت برادران و فرزندان ذکور واقف سپرده است.^۲

دو. **مدرسه اصفیه**؛ مدرسه دیگر عهد ناصری است که حاج محمدقلی خان آصف‌الدوله، از مال الوصایه میرزا ابوالحسن خان ایلچی، وزیر امور خارجه ناصرالدین‌شاه، در ۱۲۷۷ ق در بازار تهران بنا کرد.^۳

سه. **مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین**؛ مؤسس این مدرسه شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین بود که آن را از مال الوصایه میرزا تقی‌خان امیرکبیر در ۱۲۷۰ ق بنا کرد.^۴ این مدرسه دارای موقوفات بسیاری بوده است از جمله آن، ۲۶ باب دکان، وقف این مسجد مدرسه بوده است.^۵

چهار. **مدرسه خازن الملک**؛ واقف این مدرسه حاج رحیم خازن الملک در سال ۱۲۹۵ ق می‌باشد.^۶
پنج. **مدرسه سپهسالار قدیم**؛ این مدرسه توسط میرزا محمدخان سپهسالار (م ۱۲۸۴ ق) احتمالاً پیش از ۱۲۷۷ ق بنا شده است. از وقف‌نامه این مدرسه می‌توان به میزان علاقه واقف آن به علوم معقول پی برد.^۷

۱. مدرس تبریزی، *ریحانة الادب*، ج ۲، ص ۳۹۰.

۲. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۸۳.

۳. همان، ص ۱۱۷.

۴. کسایی، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، ش ۳۰، ص ۱۲۴.

۵. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۱۱۷؛ بلاغی، *تاریخ تهران*، ص ۱۷۲.

۶. همان، ص ۱۷۵.

۷. رک: کازرونی، «وقف‌نامه مسجد مدرسه سپهسالار قدیم»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۱۲۵.

شش. **مدرسه معیرالممالک**؛ این مدرسه در عهد ناصری به وسیله دوستعلی خان نظام‌الدوله معیرالممالک، که از رجال حکومتی بود در سال ۱۲۹۰ ق، بنا شد و برای اداره آن، زمین، مغازه‌ها و حمام‌های متعددی را وقف نمود.^۱ شیخ مهدی عبدالرب‌آبادی، ملقب به شمس‌العلماء از مؤلفان و نویسندگان نامه دانشوران ناصری، از طلاب این مدرسه بود.^۲

هفت. **مدرسه منیرییه**؛ بنای این مدرسه را امیر نظام، حاکم شهر تهران آغاز کرد و خواهرش منیرالسلطنه (همسر ناصرالدین‌شاه)، آن را در سال ۱۳۱۱ ق تکمیل نمود. ملامحمد هیدجی (م. ۱۳۱۴ ق)، حکیم و فیلسوف بزرگ تهران و نیز میرزا ابراهیم بن ابی‌الفتح زنجانی (م. ۱۳۵۱ ق)، فیلسوف، فقیه و ریاضی دان بزرگ، از اساتید برجسته این مدرسه بودند و همچنین آقابزرگ تهرانی، علم ریاضیات و هیئت را در این مدرسه خواند.^۳

هشت. **مدرسه صنیعیه**؛ از مدارس دوره ناصری است که به نام حاج ابوالحسن خان اصفهانی معمارباشی (م ۱۳۰۵ ق) که به صنیع‌الملک، مشهور شده است^۴ که حاج ابوالحسن خان، بنای آن را در ۱۳۰۳ ق به پایان رسانده است.^۵ ظاهراً واقف آن، بر خلاف واقف مدرسه سپهسالار، موافق آموزش فلسفه و عرفان نبوده است و در وقف‌نامه آن شرط کرده است فلسفه در این مدرسه تدریس و تدرّس نشود.^۶

نه. **مدرسه دانگی**؛ این مدرسه از مدارس بسیار خوب عصر ناصری است. سید جعفر لاریجانی مؤسس این مدرسه بود.^۷ شیخ آقابزرگ تهرانی در این مدرسه حجره داشتند و تحصیل می کردند.^۸ میرزا حسن کرمانشاهی (م. ۱۳۳۶ ق) از مدرّسان این مدرسه بود که پس از استادش، سید ابوالحسن جلوه، کرسی تدریس حکمت و فلسفه را در اختیار داشت.^۹

ده. **مدرسه علمیه کاظمیه**؛ این حوزه علمیه که در خیابان ری، به نام مؤسس و واقف آن میرزا سید کاظم

۱. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۱۱۸ - ۱۱۷.

۲. رضوی، و همکاران، *حوزه علمیه: تاریخ، ساختار، کارکرد*، ص ۲۱۲؛ اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۲۲۸ و ۲۵۰؛ شریف رازی، *اختران فروزان ری و طهران*، ص ۱۱۶ - ۱۱۵.

۳. رضوی، و همکاران، *حوزه علمیه: تاریخ، ساختار، کارکرد*، ص ۲۱۳ - ۲۱۲؛ آقابزرگ تهرانی، *طبقات: نقباء*، قسم ۱، ص ۷۸؛ حبیب‌آبادی، *مکرم الآثار*، ج ۶، ص ۱۹۶۶ - ۱۹۶۵.

۴. کسای، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، ش ۳۰، ص ۸۴.

۵. شیخ حکمای، «مسجد مدرسه معمارباشی تهران»، *میراث جاویدان*، سال دهم، ش ۱، ص ۳۲ - ۲۵. همان.

۷. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، ص ۱۲۱.

۸. آقابزرگ تهرانی، *طبقات: نقباء*، قسم ۲، ص ۷۱۱؛ همو، «شرح زندگی من»، *تاریخ و فرهنگ معاصر*، ش ۱ و ۲، ص ۳۰۵.

۹. صدوقی سپها، *تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمتألهین*، ص ۶۱.

مستوفی تفرشی (م. ۱۳۰۸ ق) «کاظمیه» نام گرفته است.^۱

یازده. علاوه بر مدارس بالا، مسجد - مدرسه های بسیاری در دوره ناصری فعال بوده است که به جهت عدم تطویل و رعایت اختصار فقط نام آنها را در ذیل ذکر می کنیم.

مدرسه حاج ابوالفتح (فتحیه) در خیابان ری؛^۲ مدرسه آقابهرام منسوب به آقابهرام خواجه قراباغی در پامنار؛ مدرسه آقا رضاخان اقبال السلطنه در محله عودلاجان تهران که برای ایتمام فقرا ساخته شده است؛^۳ مدرسه سعیدیه از مرحوم حاج قنبرعلی خان کردمافی معروف به سعدالدوله؛^۴ مدرسه شاه وابسته به مسجد شاه از بناهای دوره فتحعلی شاه؛ مدرسه شاهزاده خانم مادر عبدالحسین میرزانشیرالدوله؛^۵ مدرسه فرخ خان امین الدوله در محله چال میدان؛^۶ مدرسه امینیه (امین السلطان)؛^۷ مدرسه محمد قاسم خان که به همت امیر محمد قاسم خان از رجال قاجار و پدر مهدعلیا در اندرونی کاخ شاهی ساخته شده است؛ مدرسه عبدالله خان در بازار بزازان؛^۸ مدرسه آقا محمدمهدی ترک؛ مدرسه اقدسیه یا قدسیه منسوب به اقدس خانم همسر میرزا اسماعیل مستوفی در سرچشمه؛ مدرسه امامزاده زید در محله پاچنار؛ مدرسه ایلچی منسوب به میرزا حسن خان ایلچی (ز. ۱۲۶۲ ق) از وزرای خارجه قاجار؛ مدرسه پامنار که در عصر صفوی ساخته شده بود و تا عصر قاجار دایر بوده است؛ مدرسه چال در پشت بازار کفش دوزان فعلی؛ مدرسه حاجی ابوالحسن در نزدیکی امامزاده یحیی که آقا میرزا محمدعلی حکیم برادر حکیم صفای اصفهانی در آن به تدریس مشغول بوده است؛ مدرسه دولت؛ مدرسه رضاقلی خان منسوب به رضاقلی خان هدایت (ز. ۱۲۸۸ ق)؛ مدرسه فیلسوف الدوله میرزا کاظم پزشک مشهور عصر ناصری (ز. ۱۳۲۳ ق) در صحن امامزاده اسماعیل؛ مدرسه قنبرعلی خان بیگلربیگی ملقب به سعدالملک؛ مدرسه محمدیه در محله بازار؛ مدرسه مشیرالسلطنه وقف شده توسط نامبرده در سال ۱۳۱۸ ق که مسجد آن به دلیل داشتن برج ساعت به مسجد ساعت مشهور بوده است؛ مدرسه مظفریه؛ مدرسه میرزا زکی در سنگلج؛ مدرسه ملاآقا رضا منیریه در جنب امامزاده سید ناصرالدین که ملامحمد هیدجی در آن به

۱. اعتمادالسلطنه، *المآثر والآثار*، ص ۱۲۱؛ شیخ الحکمایی، «مسجد مدرسه معمارباشی تهران»، *میراث جاویدان*، سال دهم،

ش ۱، ص ۸۷

۲. کریمان، *تهران در گذشته و حال*، ص ۳۰۷.

۳. اعتمادالسلطنه، *المآثر والآثار*، ص ۸۴.

۴. کسایی، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، ش ۳۰، ص ۱۱۸.

۵. همان، ص ۸۷.

۶. شیخ الحکمایی، «مسجد مدرسه معمارباشی تهران»، *میراث جاویدان*، سال دهم، ش ۱، ص ۸۷.

۷. شریف رازی، *گنجینه دانشمندان*، ج ۲، ص ۶۰۲.

۸. کسایی، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، ش ۳۰، ص ۱۲۴.

تدریس معقول می‌پرداخته است؛ مدرسه میرزا عیسی‌خان وزیر (ز. ۱۳۱۱ ق) معروف به مدرسه شیخ هادی نجم‌آبادی؛ مدرسه نیاکی منسوب به آقا سید محمدعلی نیاکی در پامنار مدارسی مانند مدرسه عتیق (برهانیه) و علاوه بر این تعدادی مدرسه در کنار مدارس جدید همچون دارالفنون و مراکز غیر رسمی آموزشی مانند مکتب‌خانه‌ها و منازل ملاها و علمایی که در منازل خود تدریس داشتند، نشان‌دهنده حال و هوای علمی این شهر در آن روزگار است.^۱

مرحله سوم: رکود (۱۳۱۵ - ۱۳۴۴ ق)

دوره انقطاع یا رکود حوزه علمیه تهران پس از یک دوره اوج، به تدریج بعد از دوره ناصرالدین شاه آغاز شد و بعد از حوادث مشروطه به اوج خود رسید؛ در این دوره عوامل متعددی باعث رکود در این نهاد آموزشی شد که ضعف و رخوت بر تاروپود آن حاکم گردید.

عوامل و زمینه‌های رکود حوزه علمیه در اواخر دوره قاجار

در فهم و تحلیل وضعیتی که این مرحله را پیش آورد، می‌توان به نکته‌های زیر اشاره کرد:

۱. ساخت و توسعه مدارس جدید مبتنی بر الگوی غربی

همچنان که گذشت یکی از مهم‌ترین ریشه‌های نفوذ فکری و فرهنگی روحانیت در جامعه ایران که عامل رونق حوزه علمیه تهران نیز بود نظام تعلیم و تربیت اختصاصی، در مکتب‌خانه‌ها بود که این وظیفه نیز در اکثر نقاط ایران بر عهده ملاها و روحانیون بود و بدین ترتیب تعلیم و تربیت فرهنگ جامعه ایرانی تقریباً به‌طور انحصاری در اختیار دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه و فاقد هرگونه نظام سلسله مراتب آموزشی و هرگونه کنترل حکومتی بود.^۲ دانش‌آموزان شامل کودکان هفت تا دوازده ساله می‌شدند، تحصیلات عالی نیز در حوزه‌های علمیه امکان‌پذیر بود که کاملاً تحت کنترل و مدیریت علما قرار داشت.^۳ اما در اواخر دوره ناصری و همراه با تحولات اجتماعی در ایران، ساخت و توسعه مدارس جدید^۴ در ایران،

۱. ر.ک: کریمان، تهران در گذشته و حال، ص ۳۰۸ - ۳۰۷؛ ر.ک: شیخ، مکتب حکمی تهران و عرفان اسلامی، ص ۲۷ - ۲۲.

۲. ر.ک: الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه، ص ۳۱۲.

۳. ر.ک: پورآرین و همکاران، «دولت پهلوی اول (رضاشاه) و تحدید علمای دینی»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۲۲، ص ۸۷.

۴. ساخت مدارس جدید در این دوره آغاز شد. احتشام السلطنه در محرم ۱۳۱۴ ق مدرسه ای را به نام «علمیه» در تهران تأسیس کرد به دلیل اینکه این مدرسه در سطوح بالاتر و تقریباً معادل دبیرستان امروزی شاگرد می‌پذیرفت عنوان علمیه یافت. (روزنامه معارف، صفر ۱۳۱۷ ق، ص ۳؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۱۹۴) همزمان با ایجاد این

خصوصاً در تهران آغاز شد که در نوع خود از نفوذ روحانیت در بین مردم و جامعه کم می‌کرد و به تبع آن در افول حوزه علمیه تهران نیز مؤثر بود. از این رو علمای تهران با تأسیس مدارس جدید مخالفت می‌کردند و از آنجایی که وظیفه آموزش را منحصر در روحانیت می‌دانستند گاهی مخالفت خود را صریحاً با مقابله به مثل، نشان دادند بدین معنی که سید محمد طباطبایی یکی از علمای بزرگ تهران بود که مدرسه «اسلام» را بنیاد نهاد.^۱

در این میان نباید از نقش روشنفکران غرب‌گرا در ایجاد و تأسیس مدارس جدید غافل بود. آنها با علم به احاطه علما بر ساختار آموزشی ایران و در جهت ایجاد جامعه متمدن غیر دینی، با الگوگیری از جامعه سکولار غربی و عاری از نفوذ مذهب و علمای دینی، اصلاح نظام آموزشی را جزء اهداف اصلی خود قرار دادند. آنها بر این باور بودند که شناخت حقیقی، از راه تعقل و علوم نوین حاصل می‌شود نه از راه آموزش مذهبی؛ بنابراین به دنبال ایجاد نظام آموزش جدید و غربی بوده و درصدد زایل کردن نفوذ سنتی روحانیت بودند.^۲ در همین راستا یکی از پیشنهادات میرزا ملکم خان (م. ۱۳۲۶ ق) برای اصلاحات در ایران تدوین نظام آموزشی جدید بود.^۳ علاوه بر این آنها حتی برای انقطاع مردم از گذشته فرهنگی خود به دنبال تغییر خط فارسی بودند.^۴ آنها علاوه بر تعرض به الفبای فارسی، به مکتب‌خانه‌ها و معلمین آنها که دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه بودند حمله می‌کردند و با تداوم آموزش در مکتب‌خانه‌ها مخالفت می‌کردند.^۵ آخوندزاده قائل بود اصول تعلیم و تربیت ما خراب است و بدون اصلاح تعلیم و تربیت تمدن و ترقی امکان ندارد.^۶ علاوه بر این ضعف‌های آموزش سنتی نیز بر این تغییرات سرعت می‌بخشید مانند تهی بودن آموزش سنتی از علوم طبیعی و جدید،^۷ سنگینی مطالب و خارج از فهم بودن آنها برای

مدرسه مدارس دیگری نیز از جمله مدرسه «رشدیه» در رمضان ۱۳۱۵ ق، مدرسه «ابتدائیه» محرم ۱۳۱۶ ق، مدرسه «شرف» در ربیع‌الاول ۱۳۱۶ ق، مدرسه «افتتاحیه» در شعبان ۱۳۱۶ ق و مانند آنها در تهران و سایر شهرهای کشور تأسیس شدند. (روزنامه معارف، ۱۳۱۶ ق، ص ۳؛ همان، ۱۳۱۷ ق، ص ۳؛ روزنامه تربیت، ۱۳۱۸ ق، ص ۲ و ۳؛ بیشتر، رشدیه، سوانح عمر، ص ۵۲ و ۵۳).

۱. ر.ک: الگار، *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه*، ص ۳۱۲.

۲. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ص ۸۰.

۳. همان، ص ۸۵.

۴. ر.ک: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، *نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران*، ج ۱، ص ۳۵۹.

۵. ر.ک: طالبوف، *کتاب احمد*، ص ۲۲؛ بیشتر ر. ک: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، *نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران*، ج ۱، ص ۳۶۴ - ۳۶۰.

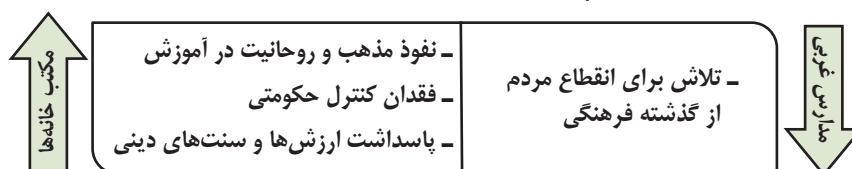
۶. آخوندزاده، *الفبای جدید و مکتوبات*، ص ۹۳.

۷. ر.ک: نراقی، *معراج السعاده*، ص ۴۰؛ خرم روئی، *پیدایش و شکل‌گیری تعلیم و تربیت نوین در ایران عصر مشروطیت*، ص ۱۴۱.

کودکان،^۱ نیز عدم جذابیت دانش علمی و مذهبی روحانیان در کنار مباحث علمی جدید، باعث شده بود، معلمان و استادان جدید و دوره دیده، با ظاهری آراسته و اطلاعات علمی متفاوت، جای روحانیان شاغل در مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های علمیه را پر کنند؛ متفکرانی که دیدگاه‌های فرهنگی و فلسفه سیاسی‌شان با اندیشمندان سنتی کاملاً متفاوت بود.^۲

در نتیجه این اصلاحات آموزشی، تأسیس مدارس جدید به روش اروپایی و تدریس منابع درسی متفاوت، به نقش روحانیت در نظام آموزشی کشور آسیب جدی وارد نمود. نهاد آموزشی قدیم که مبتنی بر آموزه‌های دینی بود رو به افول گذاشت و حوزه‌های علمیه از رونق افتادند.^۳

نمودار تمایزات نظام آموزش سنتی و مدارس جدید مبتنی بر الگوی غربی



۲. تأثیرپذیری از انقلاب مشروطه (۱۳۲۹ - ۱۳۲۴ ق)

نظریه مشروطه را عالمان دینی بسط داده و با کمک عامه به پیش بردند. آنها از آن جهت که مجلس و مشروطه را به نفع دین و دنیای مردم می‌دانستند، به حمایت از آن پرداختند. ظلم‌ستیزی و به تبع آن، مشروطه‌خواهی دو گروه علما و غرب‌گرایان را به یکدیگر نزدیک و در صفی واحد قرار داد و اجازه نداد شکاف‌های آن دو آشکار گردد و به واسطه نفوذ و تلاش علما نهضت مشروطه به پیروزی رسید. اما پس از فتح تهران (۱۳۲۸ ق) و با کنار گذاشته شدن علما و خالی شدن عرصه برای غرب‌گرایان، آنها باطن حقیقی خود را آشکار نموده و تمام تلاش خود را در جهت حذف دین، علما و حوزه‌های علمیه از معادلات سیاسی و اجتماعی به کار بستند. آنها علما را که به قصد ترویج شریعت به حمایت از مشروطه پرداخته بودند، کنار زدند، خانه‌نشین کردند و یا کشتند.^۴

حوادث بعد از مشروطه، همچون اعدام شیخ فضل‌الله نوری (۱۳۲۸ ق) که استاد طراز اول حوزه تهران بود و دیگر شهادت و یا تبعید مشروعه‌خواهان، علمای مشروطه‌خواه نیز چنین سرنوشتی یافتند. مانند ترور

۱. ترابی فارسانی، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، ص ۱۰.

۲. فغفوری، «تأثیر فرایند نوسازی کشور بر روحانیان»، ماهنامه آفتاب، ش ۱۶، ص ۵۱ - ۴۲.

۳. بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران، ص ۷۲.

۴. ر.ک: جهان‌بین، تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان، ص ۱۵۹.

سید عبدالله بهبهانی^۱ که او نیز در ردیف علمای طراز اول تهران بود.^۲ با استقرار حکومت مشروطه، سایه استبدادی به مراتب سنگین‌تر از قبل بر فضای کشور گسترده گردید.^۳ مطبوعات با شدیدترین سانسور اطلاعات و اخباری مواجه بودند که از مصدر روحانیت صادر می‌شد، دولت‌های ضعیف پیاپی روی کار می‌آمدند و سقوط می‌کردند، ظلم، ناامنی، فساد و تشتت همه‌جا را فرا گرفته بود، مشروطه‌خواهان حاکم و روشنفکران غرب‌گرا، با حاکمیت مشروطه، چیزی جز حذف دین و شریعت مسلمانی را دنبال نمی‌کردند.^۴ تحولات بعد از مشروطه و انزوای مرجعیت و روحانیت بعد از آن چنان است که پرچم‌داری تحولات و کنش‌گری اجتماعی از دست روحانیت و حوزه‌های علمیه خارج و به دست منورالفکرهای غرب‌گرا می‌افتد و دخالت و کنش‌گری علما را نفی کرده و باعث افول نهاد آموزش حوزه علمیه در ایران و خصوصاً حوزه بزرگ تهران را رقم می‌زند.

با بی‌توجهی متولیان امور، ناروایی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، بسیاری از مدارس علمیه از رونق افتاد، خراب شده یا خالی از طلاب شدند. پس از چهل سال حوزه گرم فلسفه و مدرسه عالی حکمی میرزای جلوه با مهاجرت طلاب در وقایع مشروطه به سردی گرایید.^۵

بررسی‌ها نشان می‌دهد، پس از عصر ناصری، تداوم ساخت و توسعه مدارس علمیه از رونق افتاد و دیگر شاهد ساخت‌وساز مدارس علمیه نیستیم کما اینکه حسین کریمان ضمن ارائه فهرستی از مدارس علمیه دوره قاجار خصوصاً مدارس بسیاری را از دوره ناصری ارائه کرده است. وی فقط نام یک مدرسه پس از دوره ناصری، به نام محمودیه را ذکر نموده است که آن را سید محمود جواهری در سال ۱۳۲۵ ق در سرچشمه تهران بنا کرده بود.^۶ شیخ عبدالنبی نوری (م. ۱۳۴۳ ق)، از مراجع بزرگ تقلید تهران از اساتید برجسته مدرسه محمودیه بود و نیز میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۵۹ ش - ۱۳۰۰ ش) از طلاب این مدرسه بوده است.^۷

۱. کارآشفتگی سیاسی در پایتخت به جایی رسید که شب نهم رجب ۱۳۲۸ ق چهار تن مجاهد به خانه آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی ریختند و آن پیشوای مبارز آزادی را به ضرب گلوله از پای درآوردند. (شمیم، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، ص ۳۶۶ و ۵۴۰؛ نجفی و فقیه حقانی، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، ص ۳۱۴)

۲. اصفهانی کربلایی، *تاریخ دخانبه*، ص ۱۳۴؛ حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار*، ج ۵، ص ۱۶۸۴، واعظ خیابانی، *علماء معاصرین*، ص ۳۴۶.

۳. ر.ک: آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ص ۱۵۲؛ حسینی‌زاده، *اسلام سیاسی در ایران*، ص ۱۵۰ - ۱۰۴.

۴. جهان‌بین، *تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عداالتخانه تا کودتای رضاخان*، ص ۱۶۰.

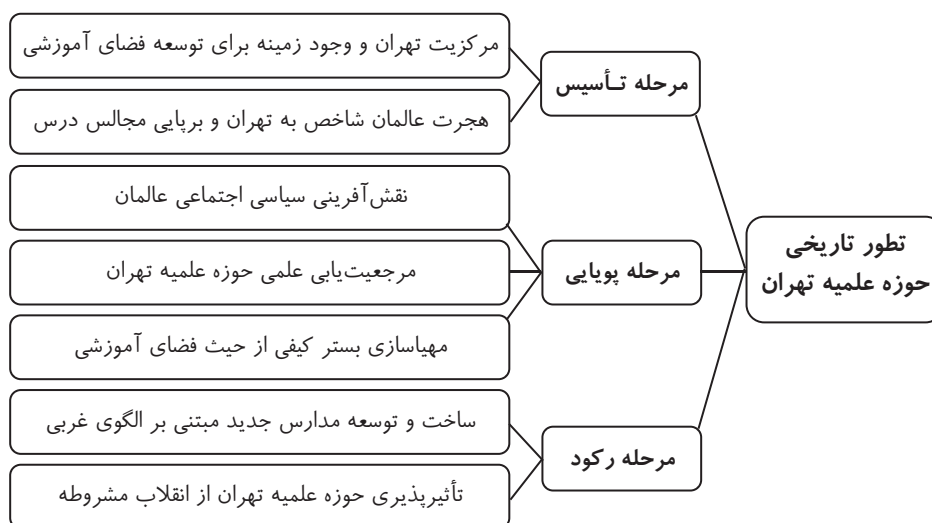
۵. آژده، *حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر*، ص ۴۳.

۶. ر.ک: کریمان، *تهران در گذشته و حال*، ص ۳۰۸ - ۳۰۷.

۷. رضوی، «میرزا: نماد حوزه شیعه»، *حوزه*، ش ۳ و ۴، ص ۱۰۹.

با تمام این فشارها نباید از کوشش‌های شبانه‌روزی و مجاهدانه علمای بزرگ این حوزه، همچون شیخ محمدتقی آملی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۱ ق)، میرزا مهدی آشتیانی (۱۳۰۶ - ۱۳۷۲ ق)، سید حسن مُدَرَس (۱۲۴۹ - ۱۳۱۶ ش) و سایر بزرگان حوزه علمیه غافل شد که مجاهدت و تلاش‌های شبانه‌روزی داشتند و برای حفظ آنچه از پیشینیان برای آنها مانده بود و انتقال به نسل‌های بعد کوشش کردند.

نمودار سیر تطور تاریخی حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار



نتیجه

بررسی تاریخ حیات حوزه علمیه تهران در دوره قاجار، نشان می‌دهد که پس از استقرار سلطنت حاکمان قاجار در تهران و انتخاب این شهر به عنوان پایتخت ایران و اهمیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن، زمینه‌های شکل‌گیری این نهاد آموزشی را در پایتخت فراهم آورد و بستر شکل‌گیری حوزه علمیه تهران را فراهم کرد. به اقتضای توسعه و گسترش شهر، مدارس علمیه و نیز مسجد - مدرسه‌های متعددی در این شهر ساخته شد. با دعوت حاکمان قاجار، حکما و فقهای بسیاری از سراسر کشور به این شهر روی آوردند که این حوزه به سرعت رو به اتقان و تثبیت پیش رفت.

حوزه علمیه تهران در دوره ناصری، در سایه حمایت‌ها و پشتیبانی حاکمان و صاحب‌منصبان قاجار، با شکل‌گیری نهضت ساخت و توسعه مدارس علمیه، تعامل و برقراری ارتباط با حوزه‌های کهن جهان اسلام همچون اصفهان و نجف، نهضت علمی در این دوره شکل گرفت. در واقع این مرحله اوج پویایی و شکوفایی حوزه علمیه تهران است. تجلی این پویایی و شکوفایی، تأسیس گسترده مدارس علمیه، حضور علمای بزرگی چون خاندان استرآبادی، خاندان آشتیانی، ملاعلی کنی، شیخ فضل‌الله نوری و بسیاری

دیگر از علمای طراز اول شیعه می‌باشد. تقارن فقه، فلسفه، عرفان و ادبیات فارسی از شاخص‌های شگفت‌انگیز حوزه علمیه تهران در این دوره است.

رکود حوزه علمیه تهران بعد از حکومت ناصرالدین شاه شروع شد و بعد از حوادث مشروطه، شدت پیدا کرد؛ در این دوره عوامل متعدد، همچون؛ ساخت و توسعه مدارس جدید، انقلاب مشروطه و حوادث بعد از آن مانند اعدام و ترور علمای بزرگ تهران، فعالیت‌ها و تقابل روشنفکران غرب‌زده با هویت دینی جامعه؛ باعث رکود این نهاد آموزشی شد.

در پایان می‌سزد به مهم‌ترین مسائل پژوهشی برآمده از این پژوهش اشاره شود؛ امید داریم این مسائل به ارتقای کیفی پژوهش‌ها در این زمینه کمک کند.

مسئله‌شناسی پژوهشی در عرصه نهاد آموزشی حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار	
ردیف	عنوان
۱	سنخ‌شناسی مواجهه علمای تهران با مدارس جدید غربی در بازه زمانی قاجار
۲	نقش فرهنگ وقف در ارتقای کیفی نهاد آموزش حوزه علمیه تهران در دوره قاجار
۳	بررسی ارتباط بین فرهنگی حوزه علمیه و دیگر مراکز آموزشی در تهران در بازه زمانی قاجار
۴	تأثیر و تأثرات حوزه علمیه تهران و دیگر مراکز حوزوی ایران در دوره قاجار
۵	نقش عالمان شیعی تهران در ارتقای کیفی هنر قدسی در دوره قاجار
۶	مطالعات استشرافی و حوزه علمیه تهران در دوره قاجار (سنخ‌شناسی، شاخصه‌شناسی و آسیب‌شناسی)
۷	آسیب‌شناسی نهاد آموزشی حوزه علمیه تهران در دوره قاجار با تأکید بر محتوای آموزشی
۸	بسترشناسی فرهنگی هجرت علمای امامی به تهران در بازه زمانی قاجار
۹	مکتب فلسفی حوزه علمیه تهران در دوره قاجار (زمینه‌ها، شاخصه‌ها و پیامدها)
۱۰	تجزیه و تحلیل عوامل افول حوزه علمیه تهران در دوره قاجار

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولی‌لایی، تهران، نشر نی، چ ۷، ۱۳۸۱ ش.
۲. آخوندزاده، میرزا فتحعلی، *القبای جدید و مکتوبات*، گردآورندگان حمید محمدزاده و حمید ارسلی، تبریز، احیاء، ۱۳۵۷ ش.
۳. آزده، مجید، «مدرسه مروی، اساتید و متولیان آن»، *ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۴۸، ص ۶۵-۶۱، ۱۳۸۸ ش.

بررسی متغیرهای دخیل در سیر تطور حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار □ ۵۵

۴. آزاده، مجید، *حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر*، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹ ش.
۵. آشتیانی، سید جلال، *مقدمه انوار جلیله*، ملا عبدالله زوزی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
۶. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، «شرح زندگی من»، *تاریخ و فرهنگ معاصر*، س ۴، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۴ ش.
۷. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۸. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *طبقات اعلام الشیعة: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، قسم ۱، مشهد، دار المرتضی للنشر، ۱۴۰۴ ق.
۹. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *طبقات اعلام الشیعة، الکوام البررة*، قسم ۱۲، مشهد، دار المرتضی للنشر، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. استادی، رضا، *گروهی از علمای حوزه علمیه تهران به مناسبت دویستمین سال تأسیس حوزه متأخر تهران*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۹ ش.
۱۱. اصفهانی کربلایی، حسن بن علی، *تاریخ دخانه، یا، تاریخ وقایع تحریم تنباکو*، قم، چاپ رسول جعفریان، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، *المآثر و الآثار*، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳ ش.
۱۳. الگار، حامد، *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران*، *نقش علما در دوره قاجاریه*، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۹ ش.
۱۴. امین الدوله، میرزا علیخان، *خاطرات سیاسی امین الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، بی نا، ۱۳۴۱ ش.
۱۵. الویری، محسن و حامد قرائتی، «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال پنجم، ش ۱۷، ص ۲۰-۱، پاییز ۱۳۹۲.
۱۶. بامداد، مهدی، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، تهران، گلشن، ۱۳۵۷ ش.
۱۷. بشیریه، حسین، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران، گام نو، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. بلاغی، عبدالحجت، *تاریخ تهران، قسمت مرکزی و مضافات*، قم، بی نا، ۱۳۵۰ ش.

۱۹. پورآرین، فؤاد؛ رضا شعبانی؛ محمدحسن رازنهان و علی اصغر رجبی، «دولت پهلوی اول (رضاشاه) و تحدید علمای دینی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال هفتم، ش ۲۲، ص ۹۴ - ۷۵، ۱۳۹۵ ش.
۲۰. تختشید، محمدرضا، «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون» *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، تهران، ش ۴۰، ص ۱۱۷ - ۹۳، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. ترابی فارسانی، سهیلا، *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. جاپلقی بروجردی، علی اصغر، *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال*، زیر نظر محمود مرعشی، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. جعفریان، رسول، *بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت ایران، بررسی کامل ابعاد تحصن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس*، تهران، توس، ۱۳۶۹ ش.
۲۴. جهان‌بین، فرزاد، *تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. جهان‌بین، فرزاد، *تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱ ش.
۲۶. حبیب‌آبادی، محمدعلی، *مکارم الآثار*، اصفهان، نفایس مخطوطات اصفهان، ۱۳۶۴ ش.
۲۷. حسینی‌زاده، سید محمدعلی، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. خرم‌روئی، سعید، *پیدایش و شکل‌گیری تعلیم و تربیت نوین در ایران عصر مشروطیت*، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۱ ش.
۲۹. خوانساری، سید محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ ق.
۳۰. دارابی، علی، *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، ج ۱۵، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۳۱. دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۶ ش.
۳۲. رشاد، علی‌اکبر، مقدمه کتاب: «*گروهی از علمای حوزه علمیه تهران - رضا استادی*»، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۹ ش.
۳۳. رشدیه، شمس‌الدین، *سوانح عمر*، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲ ش.

بررسی متغیرهای دخیل در سیر تطور حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار □ ۵۷

۳۴. رضوی، عباس و همکاران، *حوزه علمیه؛ تاریخ، ساختار، کارکرد*، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۰ ش.
۳۵. رضوی، عباس، «میرزا: نماد حوزه شیعه»، *حوزه*، سال ۱۹، ش ۳ و ۴، ص ۱۸۵-۱۰۶، مرداد-آبان ۱۳۸۱ ش.
۳۶. رفیعی، منصوره (جعفری فشارکی)، *انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان*، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۶۲ ش.
۳۷. روحانی فوجانی، فاطمه؛ داراب دیبا و محمدرضا نصیرسلامی، «ارتقای حیات مدنی براساس وقفنامه مسجد - مدرسه سپهسالار در گستره میدان بهارستان» *نقش جهان*، سال هشتم، ش ۲، ص ۹۹-۹۱، تابستان ۱۳۹۷.
۳۸. *روزنامه تربیت*، چاپ تهران، سال چهارم، ش ۲۱۳، ۶ شعبان ۱۳۱۸ ق.
۳۹. *روزنامه معارف*، چاپ تهران، ش ۱، اول شعبان ۱۳۱۶ ق، ش ۱۴، ۱۵ صفر ۱۳۱۷ ق.
۴۰. سبحانی صدر، حمید، *فیضیه تهران*، تهران، واژه پرداز اندیشه، ۱۳۹۹ ش.
۴۱. سحاب، ابوالقاسم، *تاریخ مدرسه عالی سپهسالار*، تهران، بی نا، ۱۳۲۹ ش.
۴۲. سعدوندیان، سیروس، منصوره اتحادیه، *آمار دارالخلافه تهران (اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار)*، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۸
۴۳. سلطانزاده، حسین، «مسجد مدرسه‌های تهران»، *مجله وقف میراث جاویدان*، ش ۲۸، ص ۶۴-۵۳، ۱۳۷۸.
۴۴. سلطانزاده، حسین، *تاریخ مدارس ایران، از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، تهران، نشر آگاه، ۱۳۶۴ ش.
۴۵. سمایی حائری، محمد، *بزرگان تنکابن*، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۲ ش.
۴۶. سیدزاده مطلق، شهره، «مهم‌ترین مدارس موقوفه تهران از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار»، *پیام بهارستان*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۲۰۱-۱۸۶، پاییز ۱۳۹۰.
۴۷. شریف رازی، محمد، *اختران فروزان ری و طهران یا تذکره المقابر فی احوال المفاخر*، قم، مکتبه الزهراء، بی تا.
۴۸. شریف رازی، محمد، *گنجینه دانشمندان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۳ ش.

۴۹. شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی، چ ۱، ۱۳۴۲ ش.
۵۰. شیخ الحکمایی، عمادالدین، «مسجد مدرسه معمارباشی تهران»، *میراث جاودان*، سال دهم، ش ۱، ص ۳۲-۲۵، بهار ۱۳۸۱.
۵۱. شیخ، محمود، *مکتب حکمی تهران و عرفان اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
۵۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية*، با حواشی ملاهادی سبزواری، مشهد، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، ۱۳۴۶ ش، چاپ افست تهران، ۱۳۶۰ ش.
۵۳. صدوقی‌سها، منوچهر، *تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۹ ش.
۵۴. صفری‌فروشان، نعمت‌الله و حامد قرائتی، «بررسی نقش آفرینی مسجد مدرسه‌ها در اصلاح گفتمان دینی در تهران دوره قاجار»، *فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی*، سال ۵۲، دوره جدید سال هشتم، ش ۲، ص ۵۴-۳۵، تابستان ۱۳۹۵.
۵۵. طارمی، عباس، *شهر هزار حکیم*، تهران، روزنه، ۱۳۸۲ ش.
۵۶. طالبوف، میرزا عبدالرحیم، *کتاب احمد*، تهران، شبگیر، ۱۳۵۶ ش.
۵۷. طلوعی، محمود، «زمینه انقلاب»، *داستان انقلاب*، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰ ش.
۵۸. فغفوری، محمدحسن، «تأثیر فرایند نوسازی کشور بر روحانیان»، *ماهنامه آفتاب*، سال دوم، ش ۱۶، ص ۳۲-۱۸، ۱۳۸۱ ش.
۵۹. قرائتی، حامد، «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار»، *فصل‌نامه مطالعات تاریخی*، ش ۴۱، ص ۱۵۹-۱۱۴، تابستان ۱۳۹۲.
۶۰. کازرونی، عمادالدین، «وقف‌نامه مسجد مدرسه سپهسالار قدیم (تهران)»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۱۳۲-۱۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
۶۱. کدی، نیکی آر. *ایران در دوران قاجار و برآمدن رضاخان*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱ ش.
۶۲. کریمان، حسین، *تهران در گذشته و حال*، تهران، رامین (چاپخانه)، ۱۳۵۵ ش.
۶۳. کسایی، نورالله، «مدارس قدیم تهران در عصر قاجار»، *نامه فرهنگ*، ش ۳۰، ص ۱۳۹-۱۱۴، بی‌تا.

بررسی متغیرهای دخیل در سیر تطور حوزه علمیه تهران در بازه زمانی قاجار □ ۵۹

۶۴. کلاهی، رضا، «تغییر در قدرت تشکیلاتی و قدرت معنوی روحانیت در گذار از قاجار به پهلوی» *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، ش ۱، ص ۱۳۵ - ۱۱۳، بهار ۱۳۹۲ ش.
۶۵. گلی زواره، غلامرضا، *میرزا ابوالحسن جلوه؛ حکیم فروتن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی معاونت پژوهشی، ۱۳۷۲ ش.
۶۶. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، *ریحانة الادب*، تهران، خیام، چ ۳، ۱۳۶۹ ش.
۶۷. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، *نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران*، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۷ ش.
۶۸. مؤمنی، مصطفی، «تهران، شهر بخش ۱»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۶۹. ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران، چاپ علی اکبر سعیدی سیرجانی، ۱۳۷۶ ش.
۷۰. نجفی، موسی و موسی فقیه حقانی، *تاریخ تحولات سیاسی ایران: بررسی مؤلفه‌های دین - حاکمیت - مدنیت و تجدد و مدنیت در تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱ ش.
۷۱. نجفی، موسی؛ حسن اصفهانی کربلائی و رسول جعفریان، *سده تحریم تنباکو*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳ ش.
۷۲. نجم الدوله، عبدالغفار بن علی محمد، *تشخیص نفوس دارالخلافة*، چاپ ناصر پاکدامن، تهران، مجله فرهنگ ایران زمین، ج ۲۰، ۱۳۵۳ ش.
۷۳. نراقی، ملااحمد، *معراج السعاده*، تهران، کتابفروشی و چاپخانه علی اکبر علمی، ۱۳۵۱ ش.
۷۴. نصر، سید حسین، «تهران، حوزه فلسفی و عرفانی»، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۷۵. نوربخش، مسعود، *تهران به روایت تاریخ*، ج ۱، تهران، نشر علم، ۱۳۸۱ ش.
۷۶. هدایت، رضاقلی خان، *تذکرة ریاض العارفین*، مقدمه تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۷۷. واعظ خیابانی، علی، *علماء معاصرین*، تهران، بی نا، ۱۳۶۶.

